



## ORIGINAL RESEARCH PAPER

# Measuring the effective components on promoting sense of attachment in the educational space (Case study: Bojnord high schools)

M. Arghiani<sup>\*1</sup>, H. Vahdani Charzekhun<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Architecture Department, Faculty of Arts, University of Bojnord, Bojnord, Iran

<sup>2</sup> Department of Urbanism, Faculty of Arts, University of Bojnord, Bojnord, Iran

### ABSTRACT

Received: 27 April 2019  
Reviewed: 5 June 2019  
Revised: 28 January 2020  
Accepted: 10 February 2020

#### KEYWORDS:

Educational Space  
Sense of Attachment  
School Architecture  
Survey Method

\* Corresponding author  
✉: [m.arghyani@ub.ac.ir](mailto:m.arghyani@ub.ac.ir)  
☎ (+98912) 5578323

**Background and Objectives:** In contemporary times, the concept of attachment to place has found considerable differences. Social scientists are heavily involved in the concepts of place and attachment to place. What happens to people's emotional connection to a place in a dynamic society? At the macro level, globalization theorists offer a considerable understanding of the effects of dynamics on place and social organization in a city. They put emphasis on how economic, social, political, and cultural changes, travel and migration increase connectivity between distant places. Environmental psychologists, social scientists, and geoanthropologists distinguish between dynamism and attachment to space, and see the two concepts as contradictory. In the argumentative view, attachment to place is a phenomenon that is in the form of individual, social and place-human relations. Attachment in educational spaces is one of the most important factors affecting student attendance and consequently the prosperity and dynamics of the educational environment. Paying attention to the needs of these people with regard to their physical conditions can make their presence more prominent in educational settings. The purpose of this study was to identify the factors affecting students' attachment feeling among high school students in Bojnord. This research is an applied research in terms of purpose.

**Methods:** In this study, survey and correlational research were used. For this purpose, Kolmogorov-Smirnov statistical test was used to determine the normality of the distribution of research data and multiple linear regression and Pearson correlation tests were used to determine the relationship and severity and the relationship between independent and dependent variables.

**Findings:** Findings showed that the sense of identity variable has the highest correlation with the level of attachment feeling. Therefore, the level of attachment feeling among the research variables is affected by the level of sense of identity and its related indicators. The second variable with the Pearson correlation coefficient is 0.463 social bonds. The attachment sense variable was ranked third with a coefficient of 0.444, with the highest correlation being the attachment feeling question, which was 0.500 and a mean of 3.17, and the least related to being missing for this place in the attachment feeling, which was a mean of 2.31 represents this issue, with a mean of 2.61 for quitting this place in three schools.

**Conclusion:** Based on this, 37 indices were measured in 3 components. Summary of research results indicate that the components of sense of identity are the most important physical components affecting students' sense of attachment in educational spaces, respectively. Considering the correlation coefficients between the micro-indicators and the feeling of attachment, and to promote the sense of attachment to school, it is suggested to use architectural elements and shapes and volumes that identify the place until the sense of identity and finally the feeling of attachment is promoted. And significant components of the place are in the next ranks, in this process, preference for others and offering the school to others in the second stage through the meaning of place affects the attachment to the place.



NUMBER OF REFERENCES

40



NUMBER OF FIGURES

5



NUMBER OF TABLES

9

## مقاله پژوهشی

## سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای حس دلبستگی در فضای آموزشی (مطالعه موردی: دبیرستان‌های بجنورد)

مصطفی ارغیانی<sup>۱\*</sup>، حسن وحدانی چرزخه خون<sup>۲</sup><sup>۱</sup> گروه مهندسی معماری، دانشکده هنر، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران  
<sup>۲</sup> گروه مهندسی شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

## چکیده

**پیشینه و اهداف:** در دوران معاصر مفهوم دلبستگی به مکان تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است. دانشمندان علوم اجتماعی به شدت درگیر مفاهیم مکان و دلبستگی به مکان هستند. چه اتفاقاتی بر پیوندهای عاطفی مردم با مکان در یک جامعه پویا به وجود می‌آید. در سطح کلان نظریه پردازهای جهانی شدن فهم قابل ملاحظه‌ای از تأثیرات پویایی بر مکان و سازمان اجتماعی در یک شهر ارائه می‌دهند. آنها بر این نکته تأکید دارند که چگونه تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، مسافرت و مهاجرت سبب افزایش ارتباط‌پذیری بین مکان‌های دور دست می‌گردد. روانشناسان محیطی، دانشمندان علوم اجتماعی، جغرافیدانان انسانی تفاوتی بین پویایی و دلبستگی به مکان قائل هستند و آن دو مفهوم را متضاد هم می‌دانند. در دیدگاه استدلالی دلبستگی به مکان به عنوان پدیده‌ای است که در قالب مفاهیم فردی، اجتماعی و روابط مکان-انسان است. دلبستگی در فضاهای آموزشی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حضورپذیری دانش‌آموزان و به تبع آن رونق و پویایی محیط آموزشی است. توجه به نیازهای این افراد با توجه به شرایط جسمی می‌تواند زمینه‌ساز حضور پررنگ‌تر آنها در فضاهای آموزشی گردد. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر احساس دلبستگی دانش‌آموزان در بین دانش‌آموزان دبیرستان شهر بجنورد صورت گرفته است. این پژوهش از حیث هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی است.

**روش‌ها:** در این پژوهش از روش پژوهش پیمایشی و همبستگی استفاده شده است. در این راستا از آزمون آماری کولموگراف - اسمیرنوف جهت تشخیص نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش و از آزمون‌های آماری رگرسیون خطی چندگانه و آزمون همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه و شدت و جهت رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهد متغیر حس هویت، بالاترین همبستگی را با میزان احساس دلبستگی نشان می‌دهد. بنابراین میزان احساس دلبستگی در بین متغیرهای پژوهش در مرحله اول متأثر از میزان احساس هویت و شاخص‌های مرتبط با آن می‌باشد. دومین متغیر با ضریب همبستگی پیرسون ۰/۴۶۳ پیوندهای اجتماعی است. متغیر حس وابستگی با ضریب ۰/۴۴۴ در رتبه سوم قرار دارد که بیشترین همبستگی مربوط به پرسش احساس تعلق در دلبستگی است که عدد ۰/۵۰۰ و میانگین ۳/۱۷ نمایانگر این موضوع است و کمترین مربوط به دل‌تنگ شدن برای این مکان در احساس دلبستگی است که میانگین ۲/۳۱ نمایانگر این موضوع است و میانگین ۲/۶۱ برای پرسش دل‌کندن از این مکان در سه مدرسه است.

**نتیجه‌گیری:** بر این اساس ۳۷ شاخص در قالب ۳ مؤلفه مورد سنجش واقع شده است. خلاصه نتایج پژوهش حاکی از آن است مؤلفه حس هویت به ترتیب مهمترین مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس دلبستگی دانش‌آموزان در فضاهای آموزشی هستند. با توجه به ضرایب همبستگی بین خرد شاخص‌ها و احساس دلبستگی، به منظور ارتقای دلبستگی در مدرسه استفاده از عناصر و شکل‌ها و احجام معماری که مکان را هویت‌مند نماید تا اینکه حس هویت و در نهایت احساس دلبستگی ارتقا یابد پیشنهاد می‌گردد.

تاریخ دریافت: ۷ اردیبهشت ۱۳۹۸  
تاریخ داور: ۱۵ خرداد ۱۳۹۸  
تاریخ اصلاح: ۸ بهمن ۱۳۹۸  
تاریخ پذیرش: ۲۱ بهمن ۱۳۹۸

## واژگان کلیدی:

فضای بسته آموزشی  
حس دلبستگی  
معماری مدرسه  
روش پیمایش

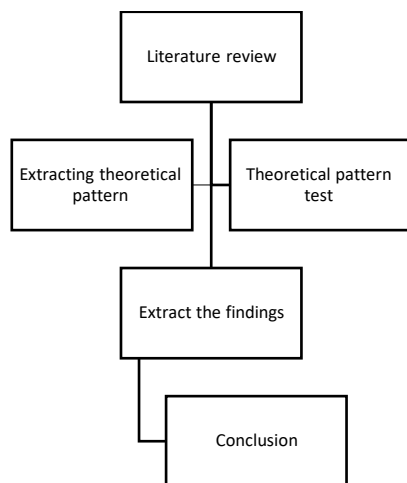
\* نویسنده مسئول

m.arghyani@ub.ac.ir ✉

۰۹۱۲-۵۵۷۸۳۳۳ ①

## مقدمه

باشند، از اجتماع محافظت کنند و آن را بهبود بخشند. این تلاش‌ها عموماً در پاسخ به خطرهای ادراک شده برای سلامتی ساکنین، امنیت، دارایی و کیفیت زندگی است که می‌تواند حس دلبستگی به مکان را که منجر به تعهد و مشارکت جمعی می‌گردد نابود کند [۶].



شکل ۱: چارچوب تحلیلی مقاله  
Fig. 1: Analytical Paper Framework

## دلبستگی به مکان

پژوهشگران مختلفی بر دلبستگی به مکان پرداخته‌اند که در جدول زیر می‌توان به تفاوت‌های موجود بین رویکرد سنتی و مدرن به دلبستگی به مکان اشاره کرد [۵].

جدول ۱: رویکرد سنتی و مدرن به دلبستگی

The traditional cognitive approach	Modern approach
Psychological and introverted experience	Reasonable and reasonable resources
Common social-individual understanding	Social experience
Individual-group feature	Dialogue and background structure
Performing individual functions such as survival, self-organization and continuity	Performing social activity and recognizing interactive work
Sustainability of meaning Reconciliation of human relationships - places	Variability of meaning Building human relationships-places
Weak ideological and expressive communication	Strong ideological and expressive connection

مردم زندگی خود را در مکان‌های ویژه از طریق مبادله و برقراری ارتباط درونی با مکان سازماندهی می‌کنند به طوری که در این فرایند مردم ارتباط عاطفی مهم و پیچیده‌ای با آن مکان‌ها دارند. این مکان‌های خاص دارای اهمیت مکانی هستند که گاهی به شبکه‌ها و فرایندهای جهانی مرتبط هستند. مکان در واقع به عنوان یک موقعیت جغرافیایی و سیستم اجتماعی است که در یک موقعیت فیزیکی سازماندهی شده است و در

در پژوهش حاضر، مسئله اصلی ارزیابی مولفه‌های موثر بر حس دلبستگی به مکان است و نتایج حاصل از آن می‌تواند جهت اصلاح مشکلات و محدودیت‌های وضع موجود و ارائه راهکار جهت طرح‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد. فرضیه اصلی تحقیق آن است که محیط در ارتقا و بهبود حس دلبستگی تاثیرگذار است. بر این اساس سوال تحقیق به شرح زیر مطرح می‌شود: چه ویژگی‌ها و قابلیت‌های محیطی در فضای آموزشی، میزان حس دلبستگی به مکان را ارتقا می‌بخشد؟ حس دلبستگی چیست؟ پس از پاسخگویی به پرسش‌ها و ارائه مدل مورد نظر پژوهش، در انتها به بررسی حس دلبستگی به مکان در فضای آموزشی پرداخته می‌شود.

در دوران معاصر مفهوم دلبستگی به مکان تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است [۲]. دانشمندان علوم اجتماعی به شدت درگیر مفاهیم مکان و دلبستگی به مکان هستند. چه اتفاقاتی بر پیوندهای عاطفی مردم با مکان در یک جامعه پویا به وجود می‌آید. در سطح کلان نظریه پردازهای جهانی شدن فهم قابل ملاحظه‌ای از تاثیرات پویایی بر مکان و سازمان اجتماعی در یک شهر ارائه می‌دهند. آنها بر این نکته تاکید دارند که چگونه تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، مسافرت و مهاجرت سبب افزایش ارتباط پذیری بین مکان‌های دور دست می‌گردد. روانشناسان محیطی، دانشمندان علوم اجتماعی، جغرافیدانان انسانی تفاوتی بین پویایی و دلبستگی به مکان قائل هستند و آن دو مفهوم را متضاد هم می‌دانند. در دیدگاه استدلالی دلبستگی به مکان به عنوان پدیده‌ای است که در قالب مفاهیم فردی، اجتماعی و روابط مکان انسان است [۴].

در مقاله‌ی حاضر از دو شیوه برای مطالعه استفاده شده است. مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای: در گام نخست کتاب‌ها، مقالات و اسناد متعددی در مورد مبانی نظری تحقیق، ویژگی‌ها، نگرش‌ها و رویکردهای پیرامون مفهوم دلبستگی به مکان انجام گرفته است. این گام با روش تحلیلی-توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است.

در گام دوم با هدف تحلیل و مقایسه کمی و کیفی این مفاهیم به دسته‌بندی و طبقه‌بندی دیدگاه‌ها و آراء پرداخته شده است و در نهایت با مطالعه موردی در دبیرستان‌های بجنورد پرسشنامه محقق ساخته توزیع شده و مفهوم دلبستگی به مکان مورد سنجش و ارزیابی واقع گردیده است. در شکل ۱ ساختار پژوهش موجود ارائه شده است.

جغرافیدانان انسانی دلبستگی به مکان را به عنوان پیوند مردم با مکان‌های معنادار می‌دانند که به دنبال ارتباط هستند تا اینکه نیازهای اساسی انسانی را تامین کنند. برای روانشناسان اجتماعی و جامعه-شناسان دلبستگی فرد به یک مکان یا شهر یا اجتماع، انگیزه مهمی برای مردم است تا اینکه زمان خود را در آن مکان‌ها صرف کنند، با مردم دیگر ملاقات و گفتگو کنند، از نگرانی‌های خود درباره مشکلات محله با مردم محله صحبت کنند، راه حل این مسائل را ارائه دهند و در تلاش‌های رسمی و غیر رسمی برای بهبود امور محله شرکت داشته

بزرگسالان با کودکان بازی نمی‌کردند اما در ادامه کودکان این احساس را پیدا کردند که تعدادی از بزرگسالان، اعضای خانواده و هم محله‌ای‌ها، آنها را از ایوان یا پنجره باز آشپزخانه تماشا می‌کنند. هنگامی که بزرگسالان در حال کارکردن نبودند آنها می‌توانستند از طریق ایوان جلویی خانه با یکدیگر در خیابان گفتگو کنند یا با هم به رادیو گوش دهند و از کودکان مراقبت کنند، در واقع چشم افراد محله بر کودکان بود. دوره دوم که بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ بود زمان گذار محسوب می‌گردد، تعدادی از ساختارهای قدیمی باقی مانده بود، به‌طوریکه جوانان در محله‌ها احساس کردند که آنها می‌توانند همه کودکان را تنبیه کنند و این موضوع سبب آشفتگی و ناراضی‌تای کودکان گردید. دوره سوم بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۴ بود. شبکه‌های اجتماعی از بین افراد در سطح محله به تعداد کمی از افراد در سطح خانواده و محله‌های کوچک گسترش پیدا کرد. خانواده‌ها که در دوره اول به عنوان خانواده‌های بزرگ و توسعه یافته بودند در ادامه کاملاً کوچک شدند به‌طوری‌که شامل مادر و فرزندان می‌شدند. یکی از ساکنان در مصاحبه‌ای عبارت غیر منتظره را برای نوع زندگی در این مکان بکار برد: به‌طورکلی در این مکان معلوم نیست چه چیزی می‌خواهد اتفاق بیفتد. در واقع آنچه در محیط بیرونی است می‌تواند یک عامل غیرمنتظره در هر روز باشد. هر روز که از خواب بیدار می‌شوید شما به یک چیز فکر می‌کنید و آن می‌تواند به چیز دیگری تغییر کند. دلبستگی به مکان می‌تواند متأثر از تجربه‌های جمعی باشد. در واقع ساختار فیزیکی مکان متأثر از تجربه‌های جمعی در مکان هستند. تغییرات در تجربه‌های جمعی یک مکان اشاره به این مطلب است که یک مکان چه معنی می‌دهد و چگونه به‌کار می‌رود. در واقع تجربه‌های جمعی با ساختار اقتصادی، کالبدی و اجتماعی مکان ارتباط تنگاتنگ دارند. دلبستگی به مکان یک تجربه روانی فردی نیست بلکه گاهی یک تجربه جمعی است که در بعضی از مکان‌ها به دلایل اقتصادی از بین رفته است، در حالی که مردم تمایل دارند در آن مکان مورد احترام واقع شوند و به مکان دلبستگی داشته باشند [۱۱۲].

مردم بومی که به‌طور مداوم مجبور به ترک مکان محلی خود می‌شوند تا به مکان‌های کوچکتر و غریبه نقل مکان نمایند و از مکان بومی شان قطع ارتباط می‌کنند، آسیب‌های روانی می‌بینند. در این زمینه می‌توان به قبیله‌های بومی آمریکا اشاره داشت که به دلیل این جابجایی در شرایط گروهی خود آسیب دیدند [۱۱۳]. نمونه‌ای از این موارد را می‌توان در سال ۱۸۳۸ در بین مردم چروکی دید که مجبور شدند از مکان قبیله‌ای خود در جنوب ایندیانا به اوکلاهاما نقل مکان کنند. در نهایت مردم بومی آنجا مجبور شدند در قسمت حاشیه‌ای سکونت داشته باشند. جوامع آفریقایی و آمریکایی که با این تغییر مکان‌های اجباری و دگرگونی‌های شدید روبرو بودند به دلیل این دگرگونی شدید شبکه اجتماعی شان در مکان نابود گردید و دلبستگی در بین آنها کاهش یافت [۱۸].

یک شبکه جهانی پیچیده از روابط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی عمل می‌کند [۱۷]. جابه‌جایی و آوارگی از مکان خاص به عنوان آشفتگی اجتماعی و مکانی است که سبب نابودی مردم می‌گردد. در این حالت افراد به دنبال نوسازی ارتباط عاطفی خود با مکان هستند که این موضوع به عنوان دلبستگی به مکان شناخته می‌شود. جابجایی و آوارگی از یک مکان در تاریخ آمریکا بصورت فراوان قابل مشاهده است که افراد از خانه خود آواره شده‌اند. این موضوع نظر جامعه علمی را به خود جلب کرده است [۱۸].

مردمی که در این حالت زندگی می‌کنند در واقع خود را در شبکه اجتماعی ضعیف پیدا می‌کنند به نحوی که حس مکان این افراد آسیب می‌بیند و دلبستگی کاهش می‌یابد. اعتماد مردم در این حالت به خاطر بی‌ارتباط شدن با مکان و عدم دلبستگی به یک مکان نامن و نامناسب آسیب می‌بیند [۱۱]. فرضیه گره‌های ترسانده بر این اعتقاد است که دگرگونی شدید و مداوم در مکان به عملکرد مکان و پیوندهای متقابل که مردم را به آن مکان پیوند می‌زند آسیب می‌زند. اما ارتباط و پیوند از طریق تجربه جمعی و دلبستگی دوباره به آن مکان شکل می‌گیرد [۱۱]. این دگرگونی‌های شدید بر اثر واکنش‌های عاطفی به کمبود یا

نابودی قسمتی از سیستم‌های عاطفی انسان اتفاق می‌افتد [۹]. نابودی رابطه بین فرد و یک مکان اتفاقی است که در یک سری از مراحل زندگی می‌افتد [۱۰]. به عنوان مثال دگرگونی‌های شدیدی در پیتسبورگ در سال ۱۹۵۰ اتفاق افتاد و بخش تجاری کاهش یافت. ۸۰۰۰ نفر مجبور به ترک اجباری محل سکونت خود شدند و شغل‌های زیاد، کلیسا و سازمان‌های اجتماعی نابود گردیدند. دومین مرحله از بازسازی صنعتی پیتسبورگ که بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ انجام شد تأثیر وسیعی بر محدوده این مکان داشت. بر خلاف جابجایی‌های داوطلبانه که آسیب‌های عاطفی و روانی به دنبال ندارد، جابجایی‌های اجباری، آسیب‌های عاطفی و ذهنی را برای افراد و جوامع به دنبال خواهد داشت [۱۱]. بخش عمده‌ای از تجارت در این مکان نابود گردید. تغییرات نشان می‌دهد که مرزهای مکان تغییر پیدا کرد، مسیری که این مکان را به شهر بزرگ پیتسبورگ وصل می‌کرد محدود شد، بازار مسکن و مراکز تجاری نابود گردیدند، مراکز سازماندهی زیادی که فضای امنی برای افراد به‌وجود آورده بودند از بین رفتند، فضاهای بیرونی امن مکان‌هایی برای جرم و خشونت گردیدند و جمعیت منطقه از ۳۸۱۰۰ در سال ۱۹۵۰ به ۹۸۳۰ در سال ۱۹۹۰ کاهش پیدا کرد. سیمز سه دوره متمایز را در تاریخ این مکان تشخیص می‌دهد. در دوره اول ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ جوانان و کودکان در یک محله منسجم بزرگ زندگی می‌کردند و کودکان به‌طور آزادانه در سرتاسر قلمرو و بین نواحی فعالیت زیاد حرکت می‌کردند. آنها به‌وسیله افراد زیادی از مردم محافظت می‌گردیدند و مردم خودشان را در مقابل همه کودکان مسئول می‌دانستند. رابطه بین جوانان و کودکان واضح بود و بزرگسالان از جوانان مراقبت می‌کردند.

هنگامیکه در سال ۱۹۴۴ افراد به این محیط نقل مکان کردند خانم بروان معتقد بود خانواده‌ها شبیه والدین برای کودکان عمل می‌کنند. در ابتدا

قوی با اجتماعات بومی در مکان منسجم هستند در مکان باقی می‌مانند و دلبستگی خود به مکان را توسعه می‌دهند. ۲ - نفرت نسبت به مکان: اشخاصی که دلبستگی و پیوندهای اجتماعی ضعیفی با مکان دارند، احساس نفرت از مکان خانه خود دارند که عموماً در این حالت به مکان‌های نزدیک نقل مکان می‌کنند. در واقع کمبود منابع و فرصت‌ها در مکان قبلی عاملی برای سکونت دائمی در مکان جدید است. ۳- پویایی و تحرک همراه با دلبستگی: افراد عموماً مکان خود را برای آموزش و حرفه ی بهتر ترک می‌کنند اما پیوند عاطفی خود را با مکان اولیه حفظ می‌کنند. در مطالعه‌ای دیگر دو الگوی کلی از دلبستگی ارائه گردید که با مطالعات هامان در سال ۱۹۹۲ همخوانی دارد و شامل دلبستگی سنتی و فعال است که به انتخاب آگاهانه مکان زندگی مرتبط است. دلبسته نشدن به یک مکان در ۳ الگوی متفاوت ارائه می‌گردد ۱ - بیگانگی: که به احساسات منفی نسبت به مکان سکونت گفته می‌شود ۲ - نسبی‌گرایی مکانی که پذیرش موقت افراد در یک مکان است ۳ - بی‌مکانی که این موارد متأثر از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مدت زمان سکونت و تعداد شهرهایی که ساکنان در آنجا سکونت داشته‌اند مرتبط است. این ۳ الگوی عدم دلبستگی با روش مصاحبه‌های کیفی در بین شهرهای آمریکا انجام گردید و بعداً توسط دو مطالعه کمی در دو کشور اوکراین و لهستان تایید گردید. در پژوهشی از یک مقیاس سه‌عاملی برای دلبستگی به یک شهر استفاده گردید که با دلبستگی سنتی متفاوت بود. سوالات این تحقیق عبارت بودند از: ۱- اگر مکان‌های بهتری وجود داشته باشد من تمایلی به خروج از این مکان ندارم. ۲- اگر زندگی کردن جایی دیگر بهتر به نظر برسد من تا حالا به این موضوع نپرداختم. ۳ - من دوست دارم اطراف شهر گردش کنم و مکان‌های جدید را کشف کنم. ۴ - من دوست دارم شهرم را به مهمان‌هایم نشان بدهم. ۵ - مردم نباید احساس دلبستگی به هر مکانی داشته باشند ۶ - این شهر مکان‌های عجیب زیادی دارد، اگر یک مکان بهتر پیدا کنم به آنجا نقل مکان خواهم کرد. در این مطالعه سوالاتی در مورد مقیاس دلبستگی به مکان ارائه گردید که عبارت بودند از ۱ - این مکان قسمتی از من است ۲ - من قسمتی از این مکان هستم. تفاوت‌های روانی در فرایند دلبستگی سبب تفاوت در فرایند پیوند عاطفی با مکان سکونت می‌گردد. الگوی سنتی دلبستگی که به دنبال تجربه هر روز دلبستگی است و پیوندهای عاطفی ما بیشتر به ریشه داری خانوادگی در مکان مرتبط است. اما در دلبستگی فعال فرایند دلبستگی به مدت زمان سکونت و پیوند با گذشته مرتبط است [۱۴].

تحقیقاتی دیگر در زمینه دلبستگی به مکان بین افراد پویا مربوط به ایده فلدمن از هویت مکانی است. بر اساس این تحقیقات افرادی که بطور دائم بین مکان‌های مختلف در حرکت هستند اغلب تمایل دارند مکان‌هایی را انتخاب کنند که تجربه سکونت قبلی‌شان در آنجا وجود داشته باشد، پیوندهای عاطفی با مکان‌های سکونت جدید سبب ایجاد دلبستگی به مکان می‌گردد [۱۱]. در واقع دلبستگی به مکان‌های سکونت اولیه بیشتر وابسته به پیوندهای اجتماعی است و ویژگی‌های فیزیکی و

در تحقیقات چیزی که به عنوان تغییرات ریشه نامیده می‌شود در واقع واکنش به فشار عاطفی به دلیل کمبود قسمتی از اکوسیستم‌های عاطفی است که در طی دگرگونی‌های شدید اتفاق می‌افتد. تاریخ جابجایی‌های اجباری بیشتر به اتفاقات و تغییرات عاطفی بر مردم می‌پردازد [۹]. تفاوت‌های کیفی مهمی بین اشخاص در جهت ادراک دلبستگی به مکان وجود دارد. در اشخاص پویا احساس دلبستگی با اشخاص دیگر متفاوت است. افراد پویا و پرتحرک ممکن است پیوندهای عاطفی با مکان را توسعه دهند اما محتوا و معنای این پیوندها متفاوت است. در اشخاص پویا عموماً دلبستگی به مکان‌های سکونتی اولیه پایین است اما دلبستگی این اشخاص به مکان‌های بزرگتر قوی است، در واقع پویایی پیوندهای بومی را کاهش می‌دهد. همچنین مطالعات در عرصه دلبستگی مردم به مکان‌ها با مقیاس مختلف نشان می‌دهد که دلبستگی در بین افراد پرتحرک و پویایی که جهت‌گیری ملی و محلی دارند قوی است. به عنوان مثال مطالعاتی در سوئد بر اساس شناسایی ۵ الگوی نقل مکان صورت گرفت که نشان می‌دهد با توجه به این ۵ الگوی مختلف (رفتن روزانه به کار، مسافرت روزانه، مسافرت بین‌المللی، طول سکونت و مهاجرت بین‌المللی) دلبستگی در سطوح ملی، قاره‌ای و منطقه‌ای قابل شناسایی است [۱].

پویایی سکونتی می‌تواند تغییراتی در میزان دلبستگی در مکان‌های قدیمی و جدید ایجاد کند. افرادی که پویا هستند مکان‌ها را ممکن است به دلایل مختلفی معنادار درک کنند و افراد دلبستگی فراوانی به مکان‌های خانه خود نشان دهند و الگوهای مختلف دلبستگی به مکان را توسعه می‌دهند. در برداشتهای مختلف از مکان احساس دلبستگی مختلف بروز پیدا می‌کند. مطالعه‌ای توسط سوچ در منچستر بین مهاجران طبقه‌میانی صورت گرفت. پاسخ دهندگان به دنبال انتخاب دقیق محل زندگی بودند. انتخاب‌هایی که بر اساس سبک زندگی، هویت و طبقه اجتماعی بود. نتایج نشان می‌دهد مکانی که یک بار افراد در آن سکونت داشته‌اند میزان بالایی از دلبستگی را نشان می‌دهد که این نوع دلبستگی با دلبستگی سنتی به مکان متفاوت است. این دلبستگی متأثر از جنبه‌های تعلق به مکان برای افراد بود. در واقع سکونت در یک مکان به دلبستگی تاریخی مکان منجر می‌گردد.

به نظر می‌رسد در صورتی افراد از مکان‌های خود رضایت دارند و دلبستگی شکل می‌گیرد که قسمتی یا همه زندگی خود را در آن مکان صرف کرده باشند و پیوندهای اجتماعی قوی بین افراد شکل گرفته باشد. اما در مقابل سکونت‌های دراز مدت که به عنوان نوستالژی از آن یاد می‌شود به گونه‌ای است که با ورود تازه واردان با جهت‌گیری فرهنگی مختلف و جایگاه‌های اجتماعی متفاوت اغلب سبب تغییر مکان می‌گردند. بارکوس و بروان در سال ۲۰۰۹ در مطالعه‌ای دریافتند که تفاوت‌های موجود در دلبستگی به مکان به تفاوت در شخصیت افراد از قبیل میزان تحرک و پویایی آنها بستگی دارد. مطالعه آنها در کنتاکی شرقی نشان می‌دهد که سه رویکرد مختلف نسبت به مکان و دلبستگی به مکان وجود دارد ۱ - ریشه‌داری در مکان: اشخاصی که به صورت

نشان می‌دهد که این رابطه در زمان حاضر و گذشته وجود دارد و حتی می‌تواند به آینده هم کشانده شود. این پیوستگی می‌تواند از طریق اشیاء نمادین ایجاد گردد و اشیاء دیگری می‌تواند با تمرکز بر گذشته فرد در جنبه‌های خانوادگی، شخصی جایگزین گردد، در این حالت شخص خود را به عنوان یک قسمت از تاریخچه مکان می‌داند. خاطره به عنوان مولفه دل‌بستگی به مکان، عنصر ارتباطی است که مردم را به مکان‌هایشان مرتبط می‌کند به گونه‌ای که قسمتی از این عنصر ارتباطی وابسته به مدت زمان سکونت در یک مکان است. فردی که به طور طولانی در یک مکان زندگی می‌کند حافظه و خاطره‌های مکانی او غنی تر می‌گردد و احساس تعلق بیشتر به مکان پیدا می‌کند. مردم پیوند عاطفی خود با مکان را با حافظه معنایی گسترش می‌دهند که این حافظه بیشتر به تاریخچه مکان در دل‌بستگی توجه دارد و مدت زمان سکونت کمتر اهمیت دارد. در این الگوی حافظه و خاطره نوع پیوند عاطفی با مکان متفاوت است. در بین مردم با جایگاه اجتماعی و اقتصادی و سابقه فرهنگی پایین دل‌بستگی به مکان با تجربه روزمره زندگی صورت می‌گیرد و در بین بقیه مردم با تاریخچه مکان و سابقه خانوادگی صورت می‌گیرد.

کانرتون یک جامعه‌شناس انگلیسی مفهوم حافظه رفتاری را معرفی کرد که این نوع حافظه (خاطره) بیشتر در مکان‌های خاص به وجود می‌آید و این بستر به عنوان مکان شناخته می‌گردد. پژوهش‌ها در حافظه معنایی نشان می‌دهد که کودکان با والدینی که از سابقه خانوادگی آنها صحبت می‌کنند بهتر سازگار می‌شوند و عزت نفس و هویت قویتر دارند نسبت به آنهايي که فقط در دوران معاصر زندگی می‌کنند. در دوران معاصر الگوی زندگی پویا، همجنسی فرهنگ و دیگر ویژگی‌های زندگی مدرن محیط‌های خاطره انگیز را نابود کرده است که این مکان‌ها الگوهای سنتی زندگی، فرهنگ و ارزش‌ها بودند و کمبودهایشان عموماً با تولید مکان‌های خاطره‌انگیز مصنوعی جبران گشته است؛ مکان‌هایی که از گذشته‌ی گم شده محافظت می‌کنند و پیوستگی تاریخی در افراد را از طریق افزایش علاقه و تمایل به تاریخ و سابقه خانوادگی بازبینی می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دل‌بستگی به مکان در بین مردم در مکان‌های تاریخی نسبت به مکان‌های جدید که در بخش تاریخی شهر احداث می‌گردند بیشتر است. در واقع تاریخچه مکان با دل‌بستگی به مکان همبستگی قوی دارد و سبب تعهد به مکان می‌گردد. [۱۵].

حافظه‌ها و خاطره‌ها به عنوان بستر تشکیل‌دهنده یک مکان از طریق زندگی در یک مکان بدست می‌آیند و احتیاج به زمان برای توسعه و گسترش دارند. وقتی که زمان رو به جلو می‌رود مسیرهای جدید در مکان‌های جدید به وجود می‌آید و افراد برای سازگاری با این مکان‌های جدید به حمایت‌های روانی نیاز دارند [۱]. حافظه رویدادی به عنوان مولفه دل‌بستگی به مکان که به عنوان نوستالژی از آن یاد می‌شود در واقع نوعی بازگشت ذهنی به گذشته فرد است و نشان می‌دهد که چگونه رویدادهای گذشته می‌تواند رخ بدهد. نوستالژی تنها آرزوی شدید احساسی نسبت به آنچه وجود ندارد نیست، بلکه یک ابزار قوی روانی

امکانات مکان برای دل‌بستگی به مکان‌های تفریحی لازم است. بین افراد با حس دل‌بستگی چندگانه به مکان تفاوت‌های کیفی در دل‌بستگی می‌تواند در مکان‌های مختلف وجود داشته باشد. میزان دل‌بستگی در مکان‌ها با مقیاس‌های مختلف، متفاوت است و دل‌بستگی به مدت زمان سکونت در یک مکان مرتبط است [۱]. خاطره و ارتباط با گذشته و پیوستگی سبب دل‌بستگی به مکان‌های جدید می‌گردد. در واقع خاطره سبب پیوند عاطفی با مکان می‌گردد. دل‌بستگی به مکان به وجود عواطف در شی مورد دل‌بستگی، احساس تعلق، تمایل به نزدیک ماندن با شی مورد دل‌بستگی و تمایل به بازگشت به مکان‌های قدیمی هنگام دور ماندن از آنها گفته می‌شود. در تعریف دل‌بستگی به مکان، یکی از برجسته‌ترین محورهای تعریف بر روی مدت زمان ماندن در یک مکان است، به‌طوریکه تمایل فراوانی برای ادامه داری ماندن در آن مکان وجود داشته باشد. در ابزارهای اندازه‌گیری حس دل‌بستگی به مکان در پرسشنامه‌های مختلف این موضوع با عبارت "من از مجبور شدن برای نقل مکان به یک مکان دیگر تاسف می‌خورم"، "برای من ترک این مکان خیلی سخت است"، "من به‌طور مشخص تمایل دارم در این مکان بمانم" بیان می‌گردد [۱]. دل‌بستگی به مکان تمایلات فرد را به گذشته مکان مرتبط می‌کند. در واقع افراد به دنبال پلی بین گذشته و زمان حاضر خود هستند طوری که ریشه‌های عاطفی و پیوند با مکان در مکان‌های جدید رشد پیدا می‌کند.

تحقیقات متعددی در کشورهای بزرگ از قبیل آمریکا، انگلیس، اسپانیا، ایتالیا، فرانسه، هلند و اوکراین نشان می‌دهد که میانگین دل‌بستگی به مکان بالا است که عدد ۳ و ۴ در طیف لیکرت ۵ مقیاسی نشان از این اهمیت دارد. یا گاهی این عدد بین ۴ و ۵ در یک مقیاس ۷ درجه‌ای است و ۲.۵ در یک مقیاس ۴ درجه‌ای است. تحقیقی در لهستان بین ۳۶۵ شهر و روستا نشان می‌دهد که ۸ درصد مردم احساس دل‌بستگی در زیر عدد ۳ دارند و ۳۳ درصد دل‌بستگی بالاتر از عدد ۴ در یک مقیاس ۵ درجه‌ای دارند. تحقیق جهانی دیگر بین مردم ۲۴ کشور صورت گرفت و از مردم خواسته شد مکانی را که تمایل دارند در آنجا زندگی کنند تا اینکه شرایط زندگی‌شان بهتر شود بیان کنند. نتایج نشان می‌دهد که پاسخ دهندگان محله‌ی ابتدایی خود در هر کشور را در اولویت اول قرار دادند [۱]. در واقع نابودی دل‌بستگی به مکان سبب بروز بیماری‌های روانی در فرد و به خطر افتادن سلامتی افراد می‌گردد. از دیدگاه سیمونه ویل فیلسوف فرانسوی دل‌بستگی به مکان با عنوان ریشه داشتن، مهمترین بخش زندگی هر فرد و نیاز حداقل روح انسانی است. دل‌بستگی به مکان سبب رضایتمندی بهتر از زندگی، سرمایه اجتماعی قوی‌تر و سازگاری بهتر می‌گردد. در دوران معاصر به دلیل تغییرات اتفاق افتاده در سبک و الگوی زندگی و افزایش پویایی و تحرک مردم نظریه دل‌بستگی به مکان باید به دنبال تبیین بهتر دل‌بستگی در مکان‌هایی که ارتباطی با سابقه خانوادگی فرد ندارند و فرد مدت زمان زیادی در این مکان سکونت نداشته است و از لحاظ فرهنگی بیگانه است، باشد. دل‌بستگی به مکان به شکل پیوسته رابطه با اشیاء مورد دل‌بستگی را

مبتنی بر تجارب قبلی زندگی، ساختارهای رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی فرد می‌باشد. چراکه افراد بر این اساس طرح رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی از خود ساخته و تمام تجارب و رویارویی‌های تازه خود با موضوعی نو را برپایه این طرح، ادراک، ساماندهی و طبقه‌بندی نموده و به خاطر می‌سپارند.

اسکلت و گیفورد (۲۰۱۰) دلبستگی به مکان را به عنوان ساختار سه‌بعدی می‌دانند که دارای ابعاد فردی، ابعاد مکانی و فرایند روانی است. در ابعاد فردی نشان داده می‌شود که دلبستگی به مکان در سطوح فردی و جمعی اتفاق می‌افتد. فرایند روانی دلبستگی نشان می‌دهد که دلبستگی به مکان دارای سه بعد شناخت، رفتار و عاطفه است. دلبستگی به مکان به دو بعد دلبستگی کالبدی و اجتماعی تقسیم می‌گردد. در این مدل از دلبستگی به مکان به عنوان پیوند بین فرد یا گروه با مکان است که در سطح مکانی، درجه دلبستگی و ویژگی‌های اجتماعی و مکانی در حال تغییر است و از طریق فرایند‌های رفتاری، شناختی و عاطفی شناخته می‌گردد [۲۴]. روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری دلبستگی به مکان وجود دارد که این روش‌ها در محتوا و ساختار با یکدیگر متفاوت هستند. در میان مقیاس‌های یک‌بعدی برای ارزیابی دلبستگی به مکان می‌توان به مقیاس بونویتو، پرگیونی، بونز و همکاران (۱۹۹۹) در زمینه دلبستگی به محله اشاره داشت. در پژوهشی توسط فورنرا (۲۰۱۰) معیارهای انسجام، هویت و ریشه داری به عنوان آیت‌های ضروری برای سنجش دلبستگی به مکان انتخاب گردید. در تحقیقی در زمینه دلبستگی به مکان توسط لویکا (۲۰۰۵، ۲۰۱۰) از یک پرسشنامه ۲۴ آیتی برای سنجش استفاده گردید که عموماً بر احساسات و عواطف نسبت به مکان اشاره داشت (احساس گم‌شدن، احساس امنیت و احساس ترجیح‌دادن) و همچنین آیت‌های مرتبط با هویت را هم در نظر گرفته بود. بعد از تحلیل وی تفاوت‌های لازم در زمینه راه‌های دلبستگی به مکان مورد ارزیابی قرار گرفت. در مقیاسی که توسط هرناندز (۲۰۰۷) مورد استفاده واقع شد و بعداً توسط همکاران وی مورد تایید قرار گرفت دلبستگی به مکان به عنوان ساختاری یک‌بعدی در نظر گرفته می‌شود. در پژوهشی سه معیار متفاوت میزان ملاقات با مکان، آشنایی با مکان و میزانی که مکان به عنوان یک مکان خاص قابل شناخت است در نظر گرفته شد. در پژوهشی برای اندازه‌گیری دلبستگی به مکان از ۳ آیت مرتبط با عواطف ناشی از ماندن در مکان استفاده می‌کنند (خوشحالی از ماندن در مکان، استراحت، مجبور به ترک مکان‌شدن). کورپلا (۲۰۰۹) در پژوهشی دلبستگی به مکان را به عنوان پیوند عاطفی مردم با مکان می‌داند که دارای ساختار دوبعدی زیر است ۱- من هنگام دوری از این مکان احساس دلتنگی می‌کنم ۲- هنگامی که این مکان را ملاقات می‌کنم احساس خستگی نمی‌کنم. دلاگو (۲۰۰۹) در پژوهشی دلبستگی به مکان را به عنوان یک پیوند عاطفی با مکان می‌داند که به امنیت و کیفیت زندگی مرتبط است که میتواند با سوال ذیل مورد پرسش واقع گردد: آیا شما فکر می‌کنید مکانی که در آن زندگی می‌کنید مکان خوبی برای زندگی است. لایک و ایس، براون، پرکینز (۲۰۰۴)

برای افرادی است که به دنبال ترمیم خودبخودی پیوستگی با مکانی هستند که به دلیل رویدادهای عاطفی زندگی و اتفاقات عمده در زندگی نابود گردیده است. این مفهوم، ارتباطی بین گذشته و زمان حال است و عزت نفس و رضایتمندی از زندگی را افزایش می‌دهد و پیوندهای عاطفی با مکان سکونت فعلی را تقویت خواهد کرد. در واقع خاطره‌های نوستالژیک سبب می‌گردد به گسستگی‌های فضایی غلبه کنیم و دلبستگی به مکان ایجاد شود. ایجاد دلبستگی از طریق نوستالژی و بازگشت به مکان‌های قدیمی خاطره انگیز در بین لهستانی‌هایی که بعد از جنگ جهانی دوم با خانواده در کانادا اقامت داشتند نمونه‌ای از این موارد است که این افراد بر حس بی‌هویتی و بی‌ریشه بودن خود از طریق جستجو در عناصر کالبدی گذشته غلبه کردند [۱].

### پیشینه پژوهش

دلبستگی به مکان پیشرفت‌های زیادی در زمینه پژوهش نداشته است که این بیشتر به دلیل ازدیاد و افزایش مفاهیم در عرصه پیوند عاطفی انسان و مکان است. توپوفیلیا، ریشه دار بودن، وابستگی مکانی، هویت مکانی، هویت شهری، دلبستگی مکانی، حس مکان، حس جمعی یا تعلق جمعی نمونه‌ای از مفاهیم در این عرصه است. ۲۰ سال پیش محققین از قبیل گیلانی و فلدمن (۱۹۹۳) بر این اعتقاد بودند که چالش اساسی در این حوزه بیشتر به انسجام دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف بر می‌گردد. پژوهش‌ها در این عرصه نشان می‌دهد که می‌توان تحقیقات در این عرصه را در محورهای کلی زیر طبقه بندی کرد:

- تعدادی از محققان دلبستگی به مکان را به‌عنوان مفهومی یک‌بعدی در نظر گرفته‌اند و با مفاهیمی از قبیل هویت مکانی یا وابستگی مکانی یکی گرفته‌اند [۱۷، ۱۸].
- تعدادی دیگر از محققان آن را یک مفهوم چند بعدی در نظر گرفته‌اند و دارای ابعاد سه‌گانه، دو گانه و ۵ گانه در نظر گرفته‌اند. به‌عنوان مثال استوکولوس و شوماخر (۱۹۸۱)، ویلیامز و واسکه (۲۰۰۳) دلبستگی به مکان را به عنوان یک مفهوم دوبعدی در نظر می‌گیرند که شامل هویت مکانی و وابستگی به مکان می‌باشد. لویکا (۲۰۱۱) دلبستگی به مکان را به‌عنوان یک مفهوم دارای سه الگو در نظر می‌گیرد که عبارت است از: مکان ذاتی شده، مکان نسبی شده و مکان کشف‌شده. رایموند و همکاران (۲۰۱۰) هم این مفهوم را دارای ساختار چهار بعدی وابستگی مکانی، پیوند خانوادگی، هویت مکانی و پیوند دوستان می‌داند.
- تعدادی دیگر از محققان هم دلبستگی به مکان را به عنوان یک مفهوم در ذیل مفاهیم دیگر می‌دانند. به عنوان مثال برای لالی (۱۹۹۲) دلبستگی به مکان جزئی از مفاهیم هویت‌شهری است. برای جورگنسن و استدمن (۲۰۰۶) دلبستگی به مکان، هویت مکان و وابستگی به مکان بخشی از مفاهیم حس مکان است.

از دیدگاه دانشپور (۲۰۰۹) دلبستگی به یک موضوع مثل شیء، مکان، فرد و سایر موضوعاتی که فرد در زندگی روزمره خود با آن روبه‌روست؛

تایلر به نقل از دانشپور (۲۰۰۹) حس دل‌بستگی به مکان را با ۲ بعد وابستگی کلیدی (ریشه داشتن، اشاره به قدمت مکان و زمان آشنایی) و وابستگی اجتماعی (قید و بندهای بومی و محلی یا دل‌بستگی‌های اجتماعی افراد و گروه‌ها) معرفی می‌کند. ویلیامز (۲۰۰۰) پس از بررسی ۶۱ موضوع اثرگذار بر حس دل‌بستگی، الگوی ۲ بعدی هویت و وابستگی به مکان را الگوی بهینه جهت ارزیابی معرفی کرده است [۳۴]. او جهت تعمیم الگوی ۲ بعدی خود، این الگو را در پروژه‌های متعددی مورد استفاده قرار داده است. کایل و همکارانش (۲۰۰۴) در پژوهش خود از ایده ویلیامز و رگنباک برای اندازه‌گیری دل‌بستگی به مکان تأثیر پذیرفته و به ۲ بعد هویت و وابستگی، بعد سوم یعنی پیوندهای اجتماعی را نیز افزوده‌اند [۳۵]. که یک پرسشنامه ۱۹ آیتی برای این موضوع استفاده شده است. گاهی هویت مکانی زیرمجموعه‌ی حس دل‌بستگی [۳۶] و گاهی دل‌بستگی زیرمجموعه‌ی هویت [۳۳] تلقی شده است. در ایران تنها پژوهش مستند موجود، رساله دکتری خانم چرخچیان (۲۰۰۹) در دانشگاه علم و صنعت می‌باشد که به مطالعه‌ی حس دل‌بستگی در فضای شهری قزوین پرداخته است. وی به دنبال عوامل مؤثر در حس دل‌بستگی پرداخته و در یک دسته‌بندی گسترده آنها را به عوامل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، فردی، خاطرات و تجارب، رضایتمندی، عوامل فعالیتی و تعاملی، زمان و مشارکت در طراحی تفکیک نموده است. بخش اعظم مطالعات انجام گرفته در این حوزه توسط دکتر ویلیامز و همکارانش (۱۹۸۹، ۱۹۹۲، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳) محقق علوم اجتماعی در مؤسسه تحقیقاتی راکی مونتاین صورت گرفته است و الگوی پیشنهادی وی مورد استفاده محققان بسیاری قرار گرفته است.

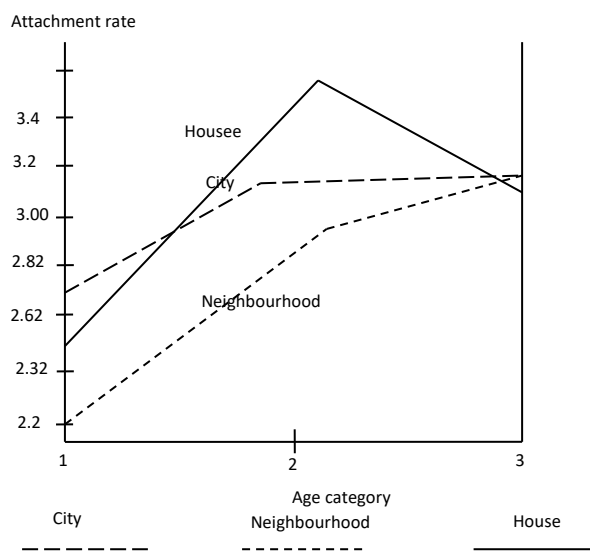
دل‌بستگی به مکان از یک تجربه فردی با محیط به وجود می‌آید. ویژگی‌هایی از قبیل کیفیت محیط طبیعی، ارزش‌های فرهنگی، پویایی، طول سکونت، فرصت‌های تفریحی بر توسعه دل‌بستگی به مکان تأثیر دارند [۳۷]. مطالعات دیگری نشان می‌دهد که دل‌بستگی به مکان شامل دو بعد مرتبط وابستگی به مکان و هویت مکان هستند [۳۸]. ابزارهای کمی و کیفی مختلف برای جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات دل‌بستگی به مکان به کار رفته است [۳۹]. پرسشنامه، مصاحبه، عکس برداری به عنوان یکی از روش‌های رایج در مطالعات دل‌بستگی به مکان است. به عنوان مثال رایان با یک روش ترکیبی تأثیرات دل‌بستگی به مکان را بر رفتارهای خرید در یک شهر روستایی در استرالیا بررسی کرده است [۴۰]. الگوی مورد نظر این مقاله در ارزیابی حس دل‌بستگی به سه شاخص هویت مکان، وابستگی به مکان و پیوندهای اجتماعی وابسته است.



شکل ۳: مدل مفهومی تحقیق  
Fig. 3: Conceptual model of research

دل‌بستگی به مکان را براساس غمگینی مرتبط با ترک مکان می‌دانند. در واقع این که چطور مردم احساس غرور نسبت به خانه شان دارند. اسکوپولیتی و تیبیتو (۲۰۱۰) از معیارهایی از قبیل هویت، روابط اجتماعی، پیوندهای عاطفی استفاده می‌کنند. استدمن و جورگنسن (۲۰۰۳) معیارهای هویت و وابستگی را به عنوان معیار ارزیابی دل‌بستگی به مکان در نظر می‌گیرند.

رلف (۱۹۷۶) حس دل‌بستگی را به عنوان پیوندی احساسی با محیط می‌داند که نیازهای اساسی بشر را پاسخ می‌دهد. بروان و پرکینز (۲۰۰۳) حس غرور و شادی از بودن در مکان را متأثر از پیوند احساسی فرد می‌دانند. شواهد دیگر دال بر بستر عاطفی دل‌بستگی به مکان، در ادبیات مربوط به لامکانی، مربوط به زمانی که اشخاص به دلایلی همچون بلایای طبیعی، جنگ، مهاجرت و یا انقلاب مجبور به ترک مکان شوند، ریشه دارد. اولین مطالعات در این خصوص توسط فرید در مورد طرح توسعه شهری غرب بوستون (بعد از طوفان کاترینا) که باعث تغییرات اساسی در محله شد، صورت گرفت. نتایج پژوهش او به نقل از سنکل و گیفورد (۲۰۱۰) حاکی از آن بود که از دست رفتن ساختار آشنای قبلی و بستر اجتماعی منجر به ترک بسیاری از ساکنان اولیه گردید و ماهیت کالبدی و اجتماعی محله پس از بازسازی کاملاً تغییر نمود. پس از این رویداد بسیاری از ساکنان به ابراز ناراحتی و افسوس پرداختند. فرید نتیجه گرفت که این ابراز ناراحتی مختص به مرگ انسان‌ها نیست، بلکه بعد از فقدان مکان‌های محبوب نیز شایع است. تحقیقات در این عرصه‌ها نشان می‌دهد دل‌بستگی در مکان‌های مختلف میزان متفاوتی است، به عنوان مثال مطالعات ویلیامز و روگنبارک در محیط‌های روستایی حاکی از این موضوع است. نتایج مطالعات هیدالگو و هراندز (۲۰۰۱) مطابق شکل ۲ حاکی از آن است که حس دل‌بستگی در مقیاس خانه بالاتر از شهر قرار گرفته و دل‌بستگی در مقیاس شهر بالاتر از همسایگی است. همچنین دل‌بستگی به فضای اجتماعی بالاتر از مکان کالبدی است.



شکل ۲: رابطه مقیاس مکان با حس دل‌بستگی  
Fig. 2: The scale of place with sense of attachment



## روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و روش پژوهش، توصیفی پیمایشی است. در این روش ابتدا با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای، ادراک کاربران از مؤلفه حس دلبستگی سنجیده می‌شود. با توجه به مولفه‌ها و شاخص‌های مطرح شده ۳۷ سوال و ۳ شاخص کلی طراحی گردید. نظر به کیفی بودن متغیرها سوالات پرسشنامه با استفاده از ۳ شاخص مورد ارزیابی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها در چند مرحله انجام می‌گیرد. برای ارزیابی همبستگی مؤلفه حس دلبستگی در دانشگاه ابتدا برای سنجش مؤلفه حس دلبستگی، داده‌های پرسشنامه‌ها به منظور سنجش حس دلبستگی بین آنها، یک بار در شاخص‌ها و یک بار نیز در هر کدام از زیرشاخص‌ها بررسی می‌شود. پایائی کل پرسشنامه کاربران با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ سنجش و تأیید می‌شود. این شاخص در پژوهش حاضر ۰/۹۴۱ محاسبه گردید که نشان‌دهنده این است که سوالات از پایائی مناسبی برخوردار هستند. روائی پرسشنامه‌ها نیز با روش تحلیل روایی صوری، با بهره‌گیری از نظر اساتید و کارشناسان رشته معماری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و روش پژوهش، توصیفی پیمایشی است. در این روش ابتدا با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای، ادراک کاربران از مؤلفه حس دلبستگی سنجیده می‌شود. با توجه به مولفه‌ها و شاخص‌های مطرح شده ۳۷ سوال و ۳ شاخص کلی طراحی گردید. نظر به کیفی بودن متغیرها سوالات پرسشنامه با استفاده از ۳ شاخص مورد ارزیابی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها در چند مرحله انجام می‌گیرد. برای ارزیابی همبستگی مؤلفه حس دلبستگی در دانشگاه ابتدا برای سنجش مؤلفه حس دلبستگی، داده‌های پرسشنامه‌ها به منظور سنجش حس دلبستگی بین آنها، یک بار در شاخص‌ها و یک بار نیز در هر کدام از زیرشاخص‌ها بررسی می‌شود. پایائی کل پرسشنامه کاربران با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ سنجش و تأیید می‌شود. این شاخص در پژوهش حاضر ۰/۹۴۱ محاسبه گردید که نشان‌دهنده این است که سوالات از پایائی مناسبی برخوردار هستند. روائی پرسشنامه‌ها نیز با روش تحلیل روایی صوری، با بهره‌گیری از نظر اساتید و کارشناسان رشته معماری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

با توجه به میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر یک از گویه‌ها می‌توان گفت که همبستگی درونی گویه‌ها بالا و به عبارت دیگر ابزار پژوهش از پایایی خوبی برخوردار است. سپس پرسشنامه‌ها توزیع و داده‌ها گردآوری و تجزیه و تحلیل شده و با استفاده از اندازه‌گیری همبستگی ۳ مؤلفه هویت مکان، پیوندهای اجتماعی، وابستگی مکان با مؤلفه احساس دلبستگی سنجیده می‌شود. پس از پیش‌آزمون اولیه که با مشارکت تعدادی از اساتید و کارشناسان رشته‌های معماری انجام شد، پیش‌آزمون رسمی با تعداد ۳۰ نمونه در بین کاربران توزیع گردید. در گام بعدی، پرسشنامه‌ها با در نظر گرفتن دقت ۰/۹۵٪ و سطح خطای ۰/۰۵ در بین ۲۵۰ نفر به عنوان نمونه مورد آزمون از دانش‌آموزان دبیرستان‌های بجنورد که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، توزیع گردید و در نهایت داده‌های به‌دست آمده از آنها با استفاده از نرم-افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و همبستگی بین عوامل سنجیده شد. جهت ارزیابی همبستگی سنجش‌های حس دلبستگی و مؤلفه‌های هویت مکان، پیوندهای اجتماعی، وابستگی مکان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

## روایی و پایایی ابزار سنجش

با توجه به مولفه‌ها و شاخص‌های مطرح شده ۳۷ سوال طراحی گردید. نظر به کیفی بودن متغیرها، سوالات پرسشنامه با استفاده از طیف سنجش پنج‌گزینه‌ای لیکرت طراحی شده است. روایی ظاهری پرسشنامه به کمک اساتید دانشگاه بجنورد و پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به شرح جدول زیر تأیید شده است. با توجه به میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده (۰/۹۴۱) برای هر یک از گویه‌ها می‌توان گفت که همبستگی درونی گویه‌ها بالا و به عبارت دیگر ابزار

جدول ۲: آلفای کرونباخ پرسشنامه دلبستگی

Table 2: Cronbach's alpha of attachment questionnaire

Cronbach's alpha	N of items
.941	40

## معرفی مطالعه موردی

در شکل زیر معرفی تصویری سه الگوی مدرسه قابل مشاهده است که این الگوها در سه الگوی خطی، متمرکز و گسترده تقسیم‌بندی شده است که تاریخچه این مدارس مربوط به دوران معاصر است که در ۱۰ سال اخیر ساخته شده‌اند و به ترتیب مدارس شهید مطهری، مدرسه آیت‌الله رفسنجانی و مدرسه امام خمینی می‌باشند که دارای ورودی‌های طراحی شده هستند و از مصالح آجر و سنگ ساخته شده‌اند. این مدارس در دو طبقه ساخته شده‌اند، کلاس‌ها در طبقه اول و دوم قرار گرفته‌اند که هر کدام از مدارس به ترتیب دارای ۱۴ تا ۱۷ کلاس می‌باشند که بخش اداری در طبقه همکف قرار دارد.

## یافته‌ها

به منظور سنجش عوامل کالبدی مؤثر بر حس دلبستگی از سوی دانش‌آموزان از روش پژوهش پیمایشی و همبستگی استفاده شده است. در این راستا از آزمون آماری کولموگراف اسمیرنوف جهت تشخیص نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش و از آزمون‌های آماری رگرسیون خطی چندگانه و آزمون همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه و شدت و جهت رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شده است.

شکل ۴: معرفی تصویری نمونه‌های موردی  
Fig. 4: Introducing sample case examples

که بزرگتر از ۰/۰۵ است شرط برای اجرای آزمون تحلیل واریانس یک-طرفه برقرار است.

جدول ۵: آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و تحلیل F  
Table 5: Anova test

	Sum of squares	Df	Mean square	F	Sig.
Between groups	4.999	2	2.499	2.135	.121
Within groups	261.040	223	1.171		
Total	266.039	225			

برای مقایسه احساس دلبستگی در فضاهای آموزشی با الگوهای خطی، گسترده و متمرکز با توجه به ترتیبی بودن داده‌ها از آزمون تحلیل کروسکال والیس و واریانس یک طرفه و تحلیل F استفاده شده است. همان‌طور که در جدول فوق مشخص است با توجه به مقدار سطح معناداری که برابر ۰/۱۲۱ می‌باشد، نشان‌دهنده عدم وجود اختلاف معنادار بین سه الگو با توجه به مؤلفه احساس دلبستگی می‌باشد. بنابراین می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان ادعان نمود اختلاف معناداری از نظر شاخص احساس دلبستگی در فضاهای آموزشی در سه الگوی خطی، گسترده و متمرکز وجود ندارد.

به منظور تعیین آزمون آماری مناسب جهت بررسی همبستگی متغیرها، ابتدا با توجه به اینکه داده‌ها به صورت کمی و از نوع پیوسته و دارای مقیاس فاصله‌ای هستند، از آزمون اعداد چولگی و کشیدگی جهت تعیین نرمال بودن یا نبودن توزیع داده‌ها استفاده شده است. با توجه به محاسبات مقادیر انجام شده، اعداد این آزمون برای میانگین شاخص‌ها و خرد شاخص‌ها بین ۲ و -۲ است که نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها نرمال است.

بنابراین با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها و همچنین مقیاس آنها که به صورت پیوسته و از نوع فاصله‌ای می‌باشند از تکنیک رگرسیون خطی چندگانه

و آزمون آماری همبستگی پیرسون برای بررسی وجود رابطه میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل و همچنین شدت و جهت آنها استفاده شده است. با توجه به اعداد معنی‌داری به دست آمده در جدول زیر برای سنجش حس هویت با توجه به عدد ۰/۰۴ از آزمون رگرسیون استفاده گردید و برای دو مؤلفه دیگر با توجه به عدد ۰/۲۰۰ از آزمون پارامتری همبستگی پیرسون استفاده شد.

در مولفه‌های تعیین شده برای حس دلبستگی مکان که با سه مولفه مستقل حس تعلق، دل‌تنگ شدن برای مکان و دل‌کندن از این مکان مورد سنجش واقع شد، با توجه به نرمال نبودن داده‌ها از آزمون فریدمن برای مقایسه میانگین‌ها استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میانگین‌ها وجود دارد و حس تعلق با میانگین رتبه ۲/۴۰ در بالاترین رتبه قرار دارد و دل‌کندن از مکان و دشواری ترک آن با میانگین رتبه ۱/۹۱ در رتبه بعدی قرار دارد و دل‌تنگ شدن برای مکان با میانگین رتبه ۱/۶۹ در رتبه بعدی تاثیرگذاری برای احساس دلبستگی

جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان دبیرستان‌های بجنورد در سه الگوی خطی، گسترده و متمرکز است. حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران به منظور دستیابی به نتایج مناسب جهت تحلیل رگرسیون در نرم افزار حجم نمونه ۳۰۰ عدد در نظر گرفته شده است که در نهایت ۲۲۶ پرسشنامه جمع‌آوری گردید و مورد تحلیل واقع شد. به منظور نمونه‌گیری از شیوه نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. با توجه به میانگین‌های به دست آمده برای احساس دلبستگی در سه مدرسه با سه الگوی خطی، گسترده و متمرکز نتایج نشان می‌دهد که احساس دلبستگی در دو الگوی خطی و متمرکز تقریباً با هم برابر است. اما با اختلاف کمی الگوی متمرکز با عدد ۲/۸۱۳۸ از الگوی خطی که ۲/۸۱۲۸ است بالاتر است. الگوی گسترده با عدد ۲/۵ در اولویت بعدی قرار دارد. با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل در متغیر وابسته احساس دلبستگی نتایج نشان می‌دهد متغیر حس هویت بالاترین همبستگی را با میزان احساس دلبستگی نشان می‌دهد. بنابراین میزان احساس دلبستگی در بین متغیرهای پژوهش در مرحله اول متأثر از میزان احساس هویت و شاخص‌های مرتبط با آن می‌باشد. دومین متغیر با ضریب همبستگی پیرسون ۰/۴۶۳ پیوندهای اجتماعی است. متغیر حس وابستگی با ضریب ۰/۴۴۴ در رتبه سوم قرار دارد که بیشترین همبستگی مربوط به پرسش احساس تعلق در دلبستگی است که عدد ۰/۵۰۰ و میانگین ۳/۱۷ نمایانگر این موضوع است و کمترین مربوط به دل‌تنگ شدن برای این مکان در احساس دلبستگی است که میانگین ۲/۳۱ نمایانگر این موضوع است و میانگین ۲/۶۱ برای پرسش دل‌کندن از این مکان در سه مدرسه است. در تحلیل وجود تفاوت بین میانگین‌های احساس دلبستگی در سه الگو نتایج نشان می‌دهد که اعداد چولگی و کشیدگی بین ۲ و -۲ است. در نتیجه توزیع‌ها بهنجار، نرمال و خطی بوده است، متغیر پیوسته و فاصله‌ای است، تعداد نمونه‌ها زیاد و تصادفی انتخاب شده‌اند، در نتیجه می‌توان از تحلیل‌های پارامتری استفاده کرد.

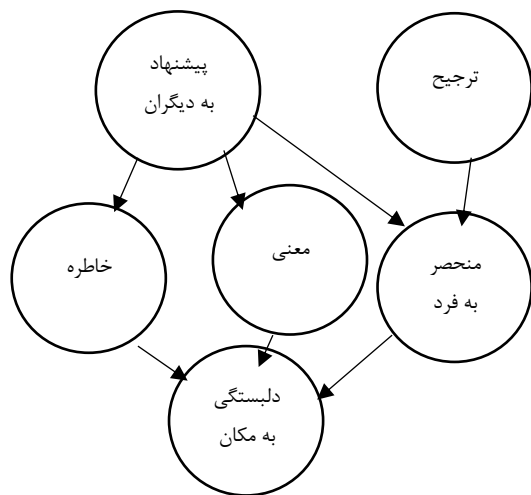
جدول ۳: آزمون کروسکال والیس  
Table 3: Kruskal Wallis Test

Var00006	
Chi-square	3.809
Df	2
Asymp. sig.	.149

جدول ۴: آزمون شرط برابری واریانس‌ها  
Table 4: Test of homogeneity of variances

Levene statistic	Df1	Df2	Sig.
2.333	2	223	.099

در آزمون اختلاف میانگین‌ها برای احساس دلبستگی در سه الگوی مدرسه شرط برابری واریانس‌ها بررسی می‌شود و با توجه به عدد ۰/۰۹۹



شکل ۵: رابطه بین مولفه‌های حس هویت  
 Fig. 5: Relationship between the components of identity

دو مولفه دیگر با ضریب همبستگی پیرسون ارزیابی گردید و نتایج همبستگی مولفه پیوندهای اجتماعی با احساس دلبستگی نشان می‌دهد که شاخص تعداد فضاهای کلاس در یک محدوده مناسب است و با عدد همبستگی ۰/۳۳۹ بیشترین ضریب همبستگی را با احساس دلبستگی دارد. در واقع تعداد کلاس‌ها در یک محدوده تاثیر قابل ملاحظه‌ای در تعامل اجتماعی و پیوندهای اجتماعی و در نهایت احساس دلبستگی داشته است.

شاخص شکل و هندسه فضای کلاس با ضریب همبستگی ۰/۳۲۶ در اولویت بعدی تاثیرگذاری بر احساس دلبستگی قرار دارد که این نتایج نشان می‌دهد که شکل و هندسه فضای کلاس با تاثیرگذاری بر تعامل اجتماعی و شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی بر احساس دلبستگی تاثیر دارد.

قرار دارد. در واقع نتایج نشان می‌دهد که در بین سه مولفه احساس دلبستگی که به‌طور مستقیم مورد سنجش واقع شد مولفه حس تعلق در بالاترین رتبه قرار دارد.

مولفه حس هویت و شاخص‌های مرتبط با آن یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر احساس دلبستگی در فضاهای آموزشی است. حس هویت مناسب می‌تواند تقویت‌کننده احساس تعلق دانش‌آموزان به محیط باشد و کارایی جسمی و ذهنی افراد را ارتقا بخشد.

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره مبین رابطه معنی دار شاخص‌های معطوف به مولفه حس هویت با احساس دلبستگی در دبیرستان‌های بجنورد است.

با توجه به جدول ذیل بیشترین تاثیر مربوط به شاخص ویژگی منحصر به فرد مکان با عدد بتای ۰/۳۳۲ است و شاخص خاطره‌انگیزی محیط با عدد ۰/۲۲۷ در اولویت بعدی قرار دارد و شاخص

معنای مکان با عدد بتای ۰/۱۸۹ در اولویت بعدی است و شاخص‌های ترجیح محیط به دیگر مکان‌ها و پیشنهاد مکان به دیگران برای تحصیل با توجه به عدد معناداری ۰/۳۵۲ و ۰/۸۸۳ تاثیر معناداری در احساس دلبستگی ندارند. بنابراین مکان باید با توجه به المان‌ها و عناصر ثابت معماری طوری طراحی گردد که دارای ویژگی منحصر به فردی باشد، به عنوان مثال حجم اثر (ترکیب اجسام) باید با زمینه اثر متفاوت باشد.

همچنین نتایج رگرسیون خطی در حس هویت نشان می‌دهد که ترجیح مکانی با عدد بتای ۰/۱۳۷ بر مشخصه منحصر به فرد تاثیر دارد و مولفه پیشنهاد مکان به دیگران با عدد بتای ۰/۴۵۹ بر مشخصه منحصر به فرد تاثیر دارد و با عدد بتای ۰/۴۴۸ بر معنی مکان تاثیر دارد و با عدد ۰/۲۳۰ بر خاطره در مکان تاثیر دارد.

جدول ۶: ضریب همبستگی سه مولفه متغیر مستقل با حس دلبستگی  
 Table 6: Correlation coefficient of three independent variable components with attachment sense

	Var00044	Var00045	Var00046	Var00047
Pearson correlation	1	.586**	.444**	.463**
Var00044				
Sig. (2-tailed)		.000	.000	.000
N	227	227	227	227
Pearson correlation	.586**	1	.545**	.439**
Var00045				
Sig. (2-tailed)	.000		.000	.000
N	227	227	227	227
Pearson correlation	.444**	.545**	1	.708**
Var00046				
Sig. (2-tailed)	.000	.000		.000
N	227	227	227	227
Pearson correlation	.463**	.439**	.708**	1
Var00047				
Sig. (2-tailed)	.000	.000	.000	
N	227	227	227	227

جدول ۷: آزمون کولموگراف - اسمیرنف تک نمونه‌ای

Table 7: One-sample colomograph-smirnov test

		Var00044	Var00045	Var00046	Var00047
N		227	227	227	227
Normal parameters,a,b	Mean	2.6893	3.1553	3.0772	3.1542
	Std. deviation	1.09968	.97465	.81598	.71086
Most extreme Differences	Absolute	.107	.074	.051	.041
	Positive	.107	.074	.043	.039
	Negative	-.086	-.072	-.051	-.041
Test statistic		.107	.074	.051	.041
Asymp. sig. (2-tailed)		.000c	.004c	.200c,d	.200c,d

جدول ۸: آزمون نرمال بودن داده‌ها

Table 8: Normality test of data

		Var00044	Var00045	Var00046	Var00047
N	Valid	227	227	227	227
	Missing	1	1	1	1
Variance		1.209	.950	.666	.505
Skewness		.099	-.103	-.239	-.366
Std. error of skewness		.162	.162	.162	.162
Kurtosis		-.954	-.662	-.019	1.093
Std. error of kurtosis		.322	.322	.322	.322

جدول ۹: تحلیل رگرسیون شاخص‌های معطوف به حس هویت بر احساس دلبستگی

Table 9: Regression analysis indicators related to the sense of identity on attachment feeling

Model	Unstandardized coefficients		Standardized	T	Sig.
	B	Std. error	Beta		
(Constant)	.771	.211		3.649	.000
Var00005	.050	.053	.058	.933	.352
Var00006	.180	.048	.227	3.758	.000
Var00007	.008	.054	.010	.147	.883
Var00008	.149	.051	.189	2.919	.004
Var00009	.266	.053	.332	5.032	.000

کمترین میزان همبستگی را با احساس دلبستگی دارد. همچنین نتایج تحلیل همبستگی در بخش متغیر حس وابستگی نشان می‌دهد که شاخص‌های معطوف به این متغیر در رتبه سوم تاثیرگذاری بر احساس دلبستگی قرار دارند که رضایتمندی از مکان با عدد  $0/355$  بیشترین همبستگی را با احساس دلبستگی نشان می‌دهد و شاخص " امکان نظارت بر فضاهای مختلف در این مجموعه وجود دارد" با عدد همبستگی  $0/334$  در اولویت بعدی تاثیرگذاری بر احساس دلبستگی در متغیر حس وابستگی قرار دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که شاخص " ورود و خروج به این مجموعه شدیداً کنترل می‌گردد" کمترین همبستگی را با میزان دلبستگی دارد.

نتایج نشان می‌دهد که مولفه‌های کالبدی پیوندهای اجتماعی در اولویت اول در تاثیر بر احساس دلبستگی قرار دارند و مولفه‌های اجتماعی چقدر شما و هم‌کلاسیه‌ایتان به‌همدیگر کمک می‌کنید (به‌همدیگر وسیله قرض می‌دهید؛ هم‌کلاسی‌ها حس همکاری خوبی نسبت به هم دارند) به ترتیب با اعداد همبستگی  $0/332$  و  $0/314$  در اولویت‌های بعدی تاثیرگذاری بر احساس دلبستگی از متغیر پیوندهای اجتماعی قرار دارند. همچنین نتایج حاکی از آن است که " جزئیات خاص نظیر کاشیکاری سنتی، شکل خاص و زیبایی سقف، استفاده از رنگ‌های خاص و متنوع، جعبه‌گل یا پاسیو، نورگیر مرکزی، مجسمه در دانشکده وجود دارد که سبب می‌شود در کنار بقیه در آنجا جمع بشویم" با عدد  $0/115$

## نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاکی از آن است که در الگوی متمرکز، حس دلبستگی نسبت به الگوهای دیگر بالاتر است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مولفه حس هویت و شاخص‌های مرتبط با آن بیشترین میزان تاثیرگذاری را بر احساس دلبستگی بین دانش‌آموزان دارند. این مهم در مطالعات ویلیامز در سال ۲۰۰۰ مورد تایید قرار گرفت. با توجه به ضرایب همبستگی بین خرد شاخص‌ها در این مولفه و احساس دلبستگی، به منظور ارتقای دلبستگی در مدرسه استفاده از عناصر و شکل‌ها و احجام معماری که مکان را هویت‌مند نماید تا اینکه حس هویت و در نهایت احساس دلبستگی ارتقا یابد پیشنهاد می‌گردد و مولفه‌های معناداری مکان در رتبه‌های بعدی قرار دارند که در این فرایند ترجیح به دیگران و پیشنهاد مدرسه به دیگران در مرحله دوم از طریق معنی‌مکان بر دلبستگی به مکان تاثیر می‌گذارد که عدد ۰/۵۸۶ در عدد همبستگی بیانگر این موضوع است. همچنین نتایج رگرسیون خطی در حس هویت نشان می‌دهد که ترجیح مکانی با عدد بتای ۰/۱۳۷ بر مشخصه منحصر به فرد تاثیر دارد و مولفه پیشنهاد مکان به دیگران با عدد بتای ۰/۴۵۹ بر مشخصه منحصر به فرد تاثیر دارد و با عدد بتای ۰/۴۴۸ بر معنی مکان تاثیر دارد که در نهایت منجر به حس دلبستگی می‌گردد.

## مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان به نسبت سهم برابر در این پژوهش مشارکت داشتند.

## تشکر و قدردانی

این پژوهش حاصل پایان نامه و طرح پژوهشی خاصی نبوده است.

## تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.»

## پی‌نوشت

<sup>1</sup>Topophilia

## منابع و مآخذ

- [1] Manzo, Lynne C, Patrick, Devine-Wright. *Place attachment: advances in theory, methods and applications*, London: Routledge Taylor & Francis Group; 2014.
- [2] Adey, P. *Mobility*, London: Routledge; 2010.
- [3] Urry, J. *Sociology beyond societies: mobilities for the twenty-first century*. London: Routledge; 2000.
- [4] Gustafson, P. *Place attachment in an age of mobility*, London: Routledge Taylor&Francis Group; 2014.

[5] DiMasso, A, Dixon, J, Durrheim, K. *Place attachment as discursive practice*, London: Routledge Taylor&Francis Group; 2014.

[6] Brown, B, B, & Perkins, D, D. Disturbances in place attachment. In I. Altman, & S, Low (eds). *Place attachment* (pp. 279-304). New York: Plenum; 1992.

[7] Massey, D, & Jess, P. (eds). *A place in the world? Places, cultures and globalization*. Oxford: Oxford University Press; 1995.

[8] Fullilove, M, T, & Wallace, R. Serial forced displacement in American cities, 1916-2010, *Journal of urban health*, 2011. 88(3), 381-389.

[9] Fullilove, M, T. *Root shock: how tearing up city neighborhoods hurts America and what we can do about it*. New York: Ballantine Books; 2004.

[10] Chow, K, & Healey, M. Place attachment and place identity: first-year undergraduates making the transition from home to university. *Journal of environmental psychology*, 2008. 28(4), 362-372.

[11] Simms, E.M. Childrens lived spaces in the inner city: historical and political aspects of the psychology of place, *Humanistic Psychologist*, 2008, 36(1), 72-89.

[12] Thompson Fullilove, M. The frayed knot: what happens to place attachment in the context of serial forced displacement?, In L, C, Manzo, P, Devine-Wright (Eds.), *Place Attachment: Advances In Theory, Methods And Applications* (pp. 141-153). London and New York: Routledge Taylor&Francis Group; 2014.

[13] Whishart, D, J. *An unspeakable sadness: the dispossession of the nebraska indians*. Lincoln: University of Nebraska; 1994.

[14] Hummon, D, M. Community attachment. local sentiment and sense of place. In I. Altman, & S, M, Low (eds), *Place attachment* (pp. 253-277). New York: Plenum Press; 1992.

[15] Beatley, T. *Native to nowhere sustaining home and community in a global age*, Washington, DC: Island Press; 2004.

[16] Giuliani, M, V, & Feldman, R. Place attachment in a developmental and cultural context, *Journal of environmental psychology*, 1993, 13, 267-274.

[17] Giuliani, M, V. Theory of attachment and place attachment. In M. Bonnes, T. Lee, & M. Bonaiuto (eds), *Psychology theories for environmental issues* (pp. 137-170). Aldershot: Ashgate; 2003.

[18] Fornara, F, Bonaiuto, M, & Bonnes, M. Cross-validation of abbreviated perceived residential environment quality (preq) and neighborhood attachment (NA) indicators. *Environment and Behavior*, 2010, 42. 171-196.

[19] Stokols, D, & Shumaker, S, A. People in places .a transactional view of setting. In J. Harvey (ed), *cognition, social behavior and the environment* (pp. 441-488). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum; 1981.

(Unpublished doctoral dissertation). University of Tehran, Tehran, 2011.

[35] Kyle, G, Graefe, A, & Manning, R. Testing the dimensionality of place attachment in recreational setting. *Environment and behavior*, 2005, 37, 153-177.

[36] Williams, D.R. & Roggenbuck, J.W. Measuring Place Attachment: Some Preliminary Results In Paper Presented At The Session On Outdoor Planning And Management, *Symposium On Leisure Research*, San Antonio, Texas, 1989.

[37] Anton, C. E., & Lawrence, C. The relationship between place attachment: The theory of planned behavior and residents' response to place change. *Journal of Environmental Psychology*, 2016, 47, 145-154.

[38] Beery, T., & Jönsson, K. I. Outdoor recreation and place attachment: Exploring the potential of outdoor recreation within a UNESCO biosphere reserve. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, 2017, 17, 54-63.

[39] Devine-Wright, P, & Howes, Y. Disruption to place attachment and the protection of restorative environments: A wind energy case study. *Journal of environmental psychology*, 2010, 30, 271-280.

[40] Ryan, M. Mixed methodology approach to place attachment and consumption behavior: A Rural perspective. *Electronic journal of business research methods*, 2009, 7, 107-116.

[20] Williams, D.R, & Vaske, J.J. The measurement of place attachment: validity and generalizability of a psychometric approach. *Forest science*, 2003, 49(6), 830-840.

[21] Lewicka, M. On the varieties of peoples relationships with places: hummons typology revisited. *Environment and Behavior*, 2011, 43. 676-709.

[22] Raymond, C.M, Brown, G, & Weber, D. The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of environmental psychology*, 2010, 30, 422-434.

[23] Lalli, M. Urban-related identity: theory, measurement, and empirical findings. *Journal of environmental psychology*, 1992, 12, 285-303.

[24] Jorgensen, B.S. & Stedman, R.C. Sense of place as an attitude: Lakeshore owners attitudes toward their properties. *Journal of environmental psychology*, 2001, 21, 233-248.

[25] Daneshpour, S.A., Sepehri Moqaddam, M. & Charkhchian, M. Explanation to "Place Attachment" and Investigation of its Effective Factors, *HONAR-HA-YE-ZIBA*, 2009, 38, 37-48. Persian.

[26] Scannell, L, & Gifford, R. Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of environmental psychology*, 2010, 30, 1-10.

[27] Bonaiuto, M, Aiello, A, Perugini, M, Bonnes, M, & Ercolani, A.P. Multidimensional perception of residential quality and neighborhood attachment in the urban environment, *Journal of environmental psychology*, 1992, 19, 331-352.

[28] Lewicka, M. Ways to make people active: role of place attachment, cultural capital and neighborhood ties. *Journal of environmental psychology*, 2005, 4, 381-395.

[29] Lewicka, M. What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment. *Journal of environmental psychology*, 2010, 30, 35-51.

[30] Korpela, K.M, Ylen, M, Tyrvaïnen, L, & Silvennoinen, H. Stability of self-reported favorite places and place attachment over a 10-month period. *Journal of environmental psychology*, 2009, 29, 95-100.

[31] Dallago, L, Perkinen, D.D, Santinello, M, Boyce, W, Molcho, M, & Morgan, A. Adolescent place attachment, social capital, and perceived safety: a comparison of 13 countries. *American journal of community psychology*, 2009, 44, 148-160.

[32] Scopelliti, M, & Tiberio, L. Homesickness in university students: The role of multiple place attachment, *Environment and behaviour*, 2010, 42(3), 335-350.

[33] Hidalgo, M.C. & Hernandez, B. Place attachment: conceptual and empirical questions, *Journal of environmental psychology*, 2001, 21, 273-281.

[34] Ghazizadeh, Seyyedeh Neda, The effect of outdoor design of residential complexes in creating sense of attachment to location: case study: selected residential complexes in Tehran

## معرفی نویسندگان

### AUTHOR(S) BIOSKETCHES



**مصطفی ارغیانی** استادیار دانشکده هنر دانشگاه بجنورد می‌باشند. ایشان مدرک کارشناسی ارشد مهندسی معماری را در سال ۱۳۸۴ از دانشگاه علم و صنعت ایران و مدرک دکتری مهندسی معماری را در سال ۱۳۹۷ از دانشگاه علم و صنعت ایران دریافت نمودند. ایشان بیش از ۱۰ مقاله علمی در مجلات و کنفرانس‌های علمی ارائه نموده‌اند. زمینه‌های تخصصی ایشان عبارتند از: روانشناسی محیط، محیط و رفتار اجتماعی و طراحی فضاهای آموزشی.



**حسن وحدانی چرزه خون** استادیار دانشکده هنر دانشگاه بجنورد - گروه مهندسی شهرسازی می‌باشند. ایشان مدرک کارشناسی ارشد شهرسازی را در سال ۱۳۸۴ از دانشگاه تربیت مدرس تهران و مدرک دکتری شهرسازی را در سال ۱۳۹۷ از دانشگاه تهران دریافت نمودند. ایشان بیش از ۱۰ مقاله علمی در مجلات و کنفرانس‌های علمی ارائه نموده‌اند، زمینه‌های تخصصی ایشان عبارتند از: روانشناسی محیط، شهرسازی پایدار و فضاهای عمومی شهری.

**Citation (Vancouver):** Arghiani M, Vahdani Charzekhun H. [Measuring the effective components on promoting sense of attachment in the educational space (Case study: Bojnord high schools)]. *Tech. Edu. J.* 2020; 14(2): 315-329

 <http://dx.doi.org/10.22061/jte.2019.4681.2101>



#### COPYRIGHTS



©2020 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.